

حدیقه سلطانیه

موجود در کتابخانه حسینیه دالان شهر داکا

چکیده: کتاب حدیقه سلطانیه در مسائل ایاتیه کتابی به زبان فارسی در حوزه ی موضوعی علم کلام و اصول عقاید است که در سال ۱۲۶۵ قمری به صورت چاپ سنگی نشر یافته است. مؤلف این اثر، سید حسین بن دلدار مشهور به سیدالعلمائ از دانشمندان شیعی مذهب است. موضوعات مطرحه در کتاب، شامل: توحید، عدل، نبوت و امامت می باشد. جلد اول کتاب مذکور در کتابخانه حسینیه دالان شهر داکا موجود است. نویسنده در نوشتار حاصل به معرفی کتاب مذکور همت گماشته است. در راستای این هدف، به ارائه شناسنامه و مشخصات کتاب، رسم الخط، شرح مختصر در مورد مطالب آن، مذهب مؤلف و منابع و مآخذ مورد استفاده نویسنده آن، اقدام نموده است.

کلیدواژه: حدیقه سلطانیه، علم کلام، اصول عقاید، سید حسین بن دلدار، سید العلمائ.

مقدمه

حسینیه دالان، بزرگترین حسینیه بنگلادش است که به عنوان بنایی توریستی در نقشه های داکا معرفی شده و روزانه جهانگردان مختلفی از سرتاسر جهان از آن بازدید می کنند و دارای مجموعه ای تاریخی با بیش از چهار قرن قدمت می باشد. گفته می شود این حسینیه در عصر حکومت مسلمانان در شبه قاره و توسط یکی از مشایخ شیعه که حاکم داکا بوده، به نام میرمیراد در سال ۱۶۴۲ م (۱۰۵۲ ق) بنیانگذاری شد. این حسینیه به خودی خود دلیلی بر اهمیت و نفوذ مکتب اهل بیت (ع) در آن زمان در بین مردم بوده است.

۱. دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز.
۲. کارشناس ارشد علوم قرآنی و حدیث.

مجتمع حسینیه شامل یک ساختمان اصلی است که مراسم و عزاداری ها و نیز نمازهای یومیه در آن برگزار می شود. در قسمتی از این مسجد ضریحی قرار دارد که دو برجستگی به عنوان قبور امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در آن قرار دارد. مردم، به ویژه اهل سنت، با حالت تضرع و ندبه کنار این ضریح می ایستند و اشک ریزان دست به دعا و استغاثه برمی دارند و حاجات خود را به زبان می آورند. ساختمان دوطبقه دیگری در این مجموعه واقع است که طبقه اول آن کتاب فروشی است و طبقه دورا برای علما و فضلا و شعرا و هنرمندانی که برای آنها اهمیت خاصی قائل بودند، قرار دادند و این نسخه خطی نیز به درخواست و دستور پادشاه محمد امجد علی شاه پادشاه غازی و به قصد ترویج دین مبین اسلام در شبه قاره هند تألیف شد و نویسنده آن مجتهد و مرجع عالی مقام آن زمان جناب آقا سید حسین (ره) است که مطالب و مسائل را با بیانی شیوا و رسا و قابل فهم برای عموم مردم گفته و با خطی بسیار زیبا نگاشته شده است و همچنین به بحث در مورد اختلافات مذاهب با منطق و اندیشه مستدل و با استفاده از آیات و روایات پرداخته است و از نکته ها و مسائل عرفانی و فلسفی که مورد توجه دانشمندان و ادبا می باشد نیز غافل نشده است.

کتابت

کتابت این متن به خط زیبای نستعلیق است و غالباً در پایان هر برگ، آخرین کلمه، در ابتدای صفحه جدید تکرار شده است.

رسم الخط

- حرف «گ» را مانند «ک» بدون سرکش نوشته است. مانند: گرفته (گرفته)، ص ۱؛ سنک (سنگ)، ص ۱۳؛ اکر (اگر)، ص ۱۰؛ گاهی (گاهی)، ص ۱۱؛ هنگامیکه (هنگامیکه)، ص ۱۱؛ چکونه (چگونه)، ص ۱۲.
- متصل نوشتن کلمات: هرانکسکه (هر آن کس که)، ص ۳۲۰؛ هرکسکه (هر کس که)، ص ۳۲۱.
- عدم تکرار «ه» در کلمات جمع، مانند: معجزهای (معجزه های)، ص ۲۲۴؛ میوهای (میوه های)، ص ۲۲۲.

نویسنده کتاب

همانگونه که در اول کتاب معرفی شده است، نویسنده کتاب از علما و دانشمندان شیعی مذهب و از دوستداران مخلص اهل بیت علیهم السلام است و روایات بسیاری از ایشان نقل کرده است.

اوسید حسین بن دلدار علی سبزواری نصیرآبادی نقوی رضوی لکهنوی، مشهور به سیدالعلماء (۱۲۱۱-۱۲۷۴ ق) است (www.moshar.ir).

سیدالعلماء از علمای مشهور شیعه در «لکهنو» ی هند بود. صاحب جواهر، شیخ محمد حسن نجفی (م ۱۲۶۶) پس از رؤیت مجلد

شب‌ها به عبادت می‌پرداخت. وی در ۱۷ صفر ۱۲۷۳ ق درگذشت و در حیاط حسینیه حضرت غفران مآب شهر لکهنو به خاک سپرده شد.^۳

مشخصات کتاب

این کتاب که با جلدی ساده که روکش مقوایی آن با کاغذی رنگی پوشانده شده، در قطع وزیری به اندازه متوسط ۱۶ در ۲۰ سانتیمتر می‌باشد که شیرازه بندی آن غلافی پارچه‌ای و سبزرنگ است و همچنین دارای سرطبل سبزرنگ پارچه‌ای در جلد آن به کار برده شده است. کاغذ زردرنگ است و متن با خط مشکی نوشته شده است و فصل‌ها و عنوان‌ها و آیات را درشت‌تر نوشته است و بعضی از عنوان‌ها را در حاشیه صفحه نوشته است، و در هر صفحه ۱۹ سطر نوشته شده که هر سطر حدوداً ۱۰ سانتی‌متر در حالت افقی و جمعاً ۲۰ سانتی‌متر از صفحه را پر کرده است که با خطی عالی و زیبا و با رعایت قواعد و اصول خوشنویسان تحریر شده است. صفحات در مجموع ۵۷۴ صفحه می‌باشد (باب اول و دوم از صفحه ۱ تا ۲۳۸ می‌باشد و باب سوم نیز بعد از آن دوباره از صفحه ۱ آغاز شده تا صفحه ۳۳۶). صفحه اول سه طرف بالا، چپ، و پایین با گل‌های درشت و زیبا تزیین شده و سمت راست صفحه با حاشیه‌ای باریک‌تر با نقوش غنچه تزیین گشته است.

ترقیمه

در آغاز کتاب چنین آورده است: «انت ولی فی الدنيا والاخره» و بعد از شکر خدای و درود بر پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت علیهم السلام چنین آمده است: «اما بعد پس این کتابی است لطیف و رساله شریف مسمی به حدیقه سلطانیه... از علامه روزگار آیه رحمت الهی حامی دین حضرت رسالت پناهی و ارث ائمه کرام علیهم السلام مجتهد الانام مرجع خاص و عام مولی الخافقین جناب آقا سید حسین دامت برکاته و زادت تائیداته که در علم کلام به طرز شایسته و طریق بایسته در زبان فارسی عام فهم صورت تحریر گرفته»، و در پایان صفحه تاریخ تحریر آن ماه جمادی الاولی سال ۱۲۶۵ ق ذکر شده است. صفحه دوم نیز در کادر قرار دارد و بالای صفحه با نقوش گل تزیین شده است و چنین آغاز شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة على سيد المرسلين... اما بعد. . مروج مذهب حق ائمه طاهرين ناصر و معين مواليان حضرت اميرالمومنين شهريارى كه از نسيم لطف و رحمتش چمنستان قلوب اهل ايمان سبزه زار است. الاكرم والخاقان الافخم باسط بساط الامن والامان رافع رايات العدل والاحسان السلطان بن السلطان الخاقان بن



«الصلاه» از کتاب منهاج التدقیق و معارج التحقیق، ضمن مدح و ستایش و تقریظ آن به سال ۱۲۵۸، مؤلف آن را با عبارت «الامام بن الامام والهمام بن الهمام» توصیف نموده است (سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران) www.nal.ai.ir

سید حسین پنجمین و آخرین پسر علامه دلداری علی بود که مانند پدر و برادر بزرگ خود سلطان العلماء فقیهی برجسته به شمار می‌رفت و در شبه قاره هند به سید العلماء شهرت یافت. سید حسین در روز ۱۴ ربیع الثانی ۱۲۱۱ ق در لکهنو متولد شد و در هفده سالگی به درجه اجتهاد رسید. وی بیست عنوان کتاب در فقه، ادعیه، کلام، فلسفه، اخلاق، تفسیر قرآن، مقتل امام حسین علیه السلام، فلسفه غیبت امام زمان (عج) و رد مکتب شیخیه تألیف نمود. سید حسین مسؤول گردآوری و تقسیم زکات در سراسر سلطنت اوده شد. وی شخصاً زکات اموال سلطان و امرای اوده را محاسبه و دریافت می‌نمود و مطابق قوانین شرعی آن را میان مستحقان تقسیم می‌کرد. وی به دیدار فقرا و بیماران می‌رفت و به آنها کمک مالی می‌کرد.

سید حسین انسانی بسیار زاهد بود و بیشتر روزها را روزه می‌گرفت و

۳. حیدررضا ضابط؛ «نقش علمای مهاجر ایرانی در ترویج تشیع در لکهنوی هند»، مجله مشکوه، شماره ۸۷، نیز، رک: WWW.Hawzeh.net

باب ششم در ذکر زیارات حضرات معصومین علیهم الاف التسلیمات والتحیات.

خاتمه در ذکر بعض ادعیه و اعمال ضروریه (ص ۴-۵).

• اما کتابی که در اختیار ماست، فقط شامل یک مجلد است که ۵۷۴ صفحه دارد: قسمتی از مقصد اول که مشتمل بر مقدمه، از ص ۸.۲ است و سه باب از پنج باب در آن ذکر شده است. باب اول از سطر آخر ص ۸-۱۲۴ است و باب ثانی از ص ۱۲۵-۲۳۸ است و باب ثالث دوباره از ص ۱-۳۳۶ شماره گذاری شده است و مابقی آن، یعنی باب چهارم و پنجم (از مقصد اول) و مقصد ثانی باید در جلد های دیگر باشد که در کتابخانه حسینیه دالان موجود نیست.

• نسخه های دیگر حدیقه سلطانیه در مسائل ایمانیه، بنابر فهرست کتاب شناسی مشار عبارتند از:

۱. حدیقه سلطانیه، نشر: هند، مشخصات ظاهری: ۴+۳۳۶+۲۳۸ ص. باب ۱-۳، نوع چاپ: سنگی، قطع: وزیری؛

۲. حدیقه سلطانیه، نشر: هند، جمادی الاول ۱۲۶۵ق.، مشخصات ظاهری: ۴+۳۳۶+۲۳۸ ص. باب ۱-۳، نوع چاپ: سنگی، قطع کتاب: وزیری؛

۳. حدیقه سلطانیه، نشر: هند، جمادی الاولی ۱۲۶۵ق، مشخصات ظاهری: ۴+۳۳۶+۲۳۸ ص. باب ۱-۳، نوع چاپ: سنگی، قطع وزیری؛

۴. حدیقه سلطانیه، نشر: لکهنو، ۱۳۰۴ق، مشخصات ظاهری: ۴+۲۶+۵۹۷ ص. باب ۴، نوع چاپ: سنگی، قطع کتاب وزیری. (کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی) (www.ical.ir)

مؤلف در باب سوم در مورد نبوت حضرت سید المرسلین و خاتم النبیین و سایر انبیا و مرسلین و آنچه بدان تعلق دارد؛ بحث و گفتگو نموده، مسائل مورد اختلاف مذاهب شیعه و اهل سنت را بررسی کرده است و اشکالات هر یک را مفصلاً بیان نموده، به سؤالات و ایرادها در مورد شیعه با استفاده از نظرهای دیگر علما پاسخ شایسته و بایسته داده است و سؤالات و اشکالات وارد بر اهل سنت را نیز بیان نموده است و تک تک موارد را با استفاده از کتب اهل سنت ذکر فرموده، به چالش کشیده و با جواب های فرضی، آنها را به بن بست کشانده که چاره ای جز تسلیم در برابر حق باقی نگذاشته است:

انبیا و بیان عصمت و شرایط نبی

«در بیان شرایط نبی است بدانکه عمده شرایط نبی عصمت است و آن عبارت است علی ما صرح به سیدنا المرتضی رضی الله عنه از

الخاقان ابوالظفر مصلح الدین پادشاه ثریا جاه سلطان عادل خاقان زمان محمد امجد علی شاه پادشاه غازی لازالت رایات سلطنته منصوره و آیات مملکت منشوره را بر سریر سلطنت و شهریاری متمکن گردانیده. از آنجا که عنان همت والا نعمت همواره بطرف ترویج دین مبین معطوف و خاطر ملکوت ناظر همیشه بسوی نشر شعائر ایمان مصروف می باشد. اقل الانام المتمسک بذیل الثقلین السید حسین صانه الله عن کل شین بخطاب بشارت انتساب تصنیف کتابی بزبان فارسی که مشتمل بر مجملی از اصول عقاید و فروع عبادات باشد، مخصوص گردیده. امثالاً للامرالاشرف الاعلی این کتاب را که مسمی است بحدیقه سلطانیه در مسائل ایمانیه بر سیل ارتجال واستعجال بقالب تألیف درکشید. امید از منعم بیهمال و خالق لایزال آنست که ثواب این عمل خیر همواره علی مرالدهور والایام و کرالشهور والاعوام عائد بروزکار فرخنده آثار بندگان شاهی گردد، و این کتاب مشتمل است بر دو مقصد:

مقصد اول:

در بیان اصول عقاید حقه و آن مشتمل است بر یک مقدمه و پنج باب و یک خاتمه، مقدمه در بیان وجوب معرفت است.

باب اول در بیان اصل اول از اصول دینی که توحید رب مجید و صفات ثبوتیه و نعوت سلبیه او تعالی و تقدس است.

باب دوم در بیان اصل ثانی از اصول ایمانیه اعنی عدل حضرت باری و آنچه متعلق است بآن از مسئله جبر و اختیار.

باب سوم در بیان نبوت حضرت سید المرسلین و خاتم النبیین و سایر انبیا و مرسلین و آنچه بدان تعلق دارد.

باب چهارم در بیان امامت حضرات ائمه اثنی عشر علیهم الاف الصلوه والسلام الی یوم المحشر و آنچه متعلق است بآن از بیان ولادت و وفات حضرات معصومین علیهم السلام و ذکر پاره از معجزات آن حضرات و ذکر احوال غیبی امام ثانی عشر و شرطی از حال زمان رجعت.

باب پنجم در بیان مجملی از حال معاد. خاتمه در بیان احکام اسلام و ایمان.

مقصد ثانی

در احکام شرعیه فرعیه از قبیل عبادات و طاعات و آن مشتمل است بر مقدمه و شش باب و خاتمه.

مقدمه در اشارت باختلاف طریقه اصول و اخبار.

باب اول در بیان احکام طهارت. باب دوم در بیان احکام نماز یومیه و غیر یومیه و آنچه تعلق بآن دارد.

باب سوم در بیان احکام زکوة و خمس.

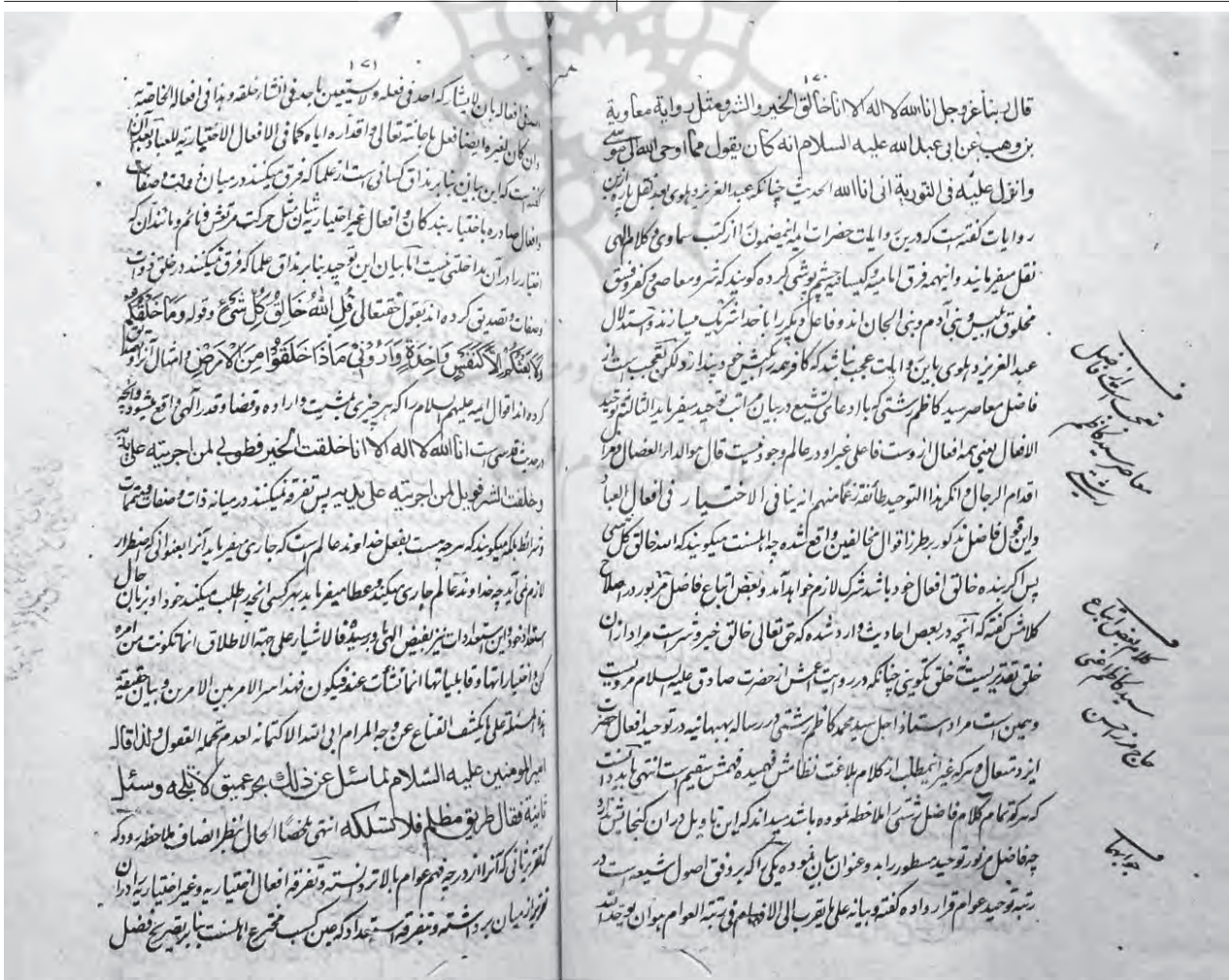
باب چهارم در بیان احکام روزه و اعتکاف.

باب پنجم در بیان احکام حج و عمره.

۴. به نقل از: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی: www.ical.ir

مترقب نیست و هوالسرفی عدم عموم اللطف، بلکه ایشانند صفوه
 اخیار قال الله ان الذین سبقت لهم منا الحسنی الایه وقال لقد اخترنا
 هم علی علم علی العالمین وقال انهم عندنا لمن المصطفین الاخیار؛
 پس اینچنین لطف مختص است باشخاص معدودین که بقوت .
 . و پاکیزگی طینت و حس سریرت و محاسن صفات و مکارم ذات
 و صدق نیت و خلوص محبت پروردگار از همگنان ممتازند؛ پس
 حق تعالی عظمت خود را در نظرشان همچنان جلوه گر ساخته که هر
 وقت پروردگار جبار غفار را حاضر و ناظر میدانند و گویا او را مشاهده
 میفرمایند کما فی النصوص اعبده الله کانک تراه فان لم تراه فانه یراک
 پس هیچ حرکت و سکون و . . ترک از ایشان صادر نمی شود مگر بر
 وفق رضای او و بعضی از فضلا مثالی را در این خصوص ذکر فرموده و
 آن اینست که حال معصوم بدان می ماند که کسی در پیش پادشاهی
 درکمال محبت و شفقت و احسان و امتنان با وجود این در نهایت
 سطوت و قدرت و سلطان بمقام حاضر باشد و غایت شفقت و محبت
 او را نسبت بخود مشاهده نماید و خود نیز نهایت محبت با داشته
 باشد که چنین کسی البته از سه جهت محال باشد که خلاف رضای
 او هیچ کاری کند هرچند سهل باشد؛ یکی از جهت شدت محبت

لطفی که بعمل می آورد آنرا خدای تعالی نسبت به بنده از بندگان خود
 پس آن بنده از فعل قبیح خود را باز میدارد و این از تعریفات دیگر که
 موهم جبر است بهتر است و شرح این مقال و بیان این اجمال بر این
 منوال است که عصمت لطفی است خاص که نسبت بهر کس که
 متحقق شود، در جمیع امور مقرب او باشد بطاعت و مبعود او باشد از
 معصیت بحیثیتی که در هیچ وقت خلاف مرضی الهی بعمل نیابد
 من غیران یبلغ به حد الابحاء کما هوشأن الالطاف الربانیه والطاق
 سبحانیه هرچند که فی الجمله برای سایر مکلفین مستحقین مبذول
 است، لکن پیغمبر و امام که معصوم علی الاطلاق اند از جهت حسن
 سریرت و پاکیزگی طینت بمزید الطاف اختصاص دارند کما مرت
 الاشاره الیه فی شرائط اللطف شیخ مفید علیه الرحمه میفرماید
 آنچه حاصلش آنست که عصمت مانع تام نیست از قدرت بر قبیح
 و نه سبب اضطرار صاحبش در بجا آوردن امر مستحسن، بلکه آن
 امریست که خداوند عالم میداند که هر گاه این امر را نسبت بفلان
 بنده خود بعمل می آرم، هرگز معصیت را اختیار نمیکند و اینهم از
 جمله شروط و جوب لطف است که حق تعالی بدانند که در وقت
 فعل لطف بنده اختیار طاعت خواهد کرد و لکن از تمام خلق این امر



خواهد بود و ممکن است که منافی معجزه را بر معنی اعم حمل کنند چه هر گناهی منافی مرتبه صاحب معجزه است، لکن تأویل القول بما لا یرضی به قائله خواهد بود؛ زیرا که این مذهب امامیه است نه مذهب اهل سنت. باز گفته است که قاضی ایشان منافی معجزه را سهواً بر پیغمبران روا داشته پس کذب در تبلیغ سهواً نزد او جائز میباشد و از ارقه خوارج کفر را هم روا میدارند بعلت آنکه هر گناهی را مستلزم کفر میدانند و این همه اقوال مخالفین باطل است و دلیل بر وجوب عصمت بسیار است و محقق طوسی علیه الرحمه در تجرید دلیل اشاره فرموده...» (باب سوم، ص ۱۷۱۴).

در بیان وقت بعثت پیامبر اکرم (ص)

درباره زمان بعثت پیامبر (ص) چنین آورده است:

«مجلسی در حیات القلوب می فرماید: بدانکه اجماع علمای شیعه است که بعثت آن حضرت در بیست و هفتم ماه مبارک رجب واقع شده و احادیث کثیره معتبره از ائمه علیهم السلام باین مضمون وارد است و میان عامه خلافت: بعضی هفدهم ماه مبارک رمضان گفته اند و بعضی هجدهم و بعضی بیست و چهارم ماه مزبور گفته اند و بعضی دوازدهم ربیع الاول و اقوال دیگر نیز هست و حق آنست که مذکور شد و موافق روایات معتبره از عمر شریف آن حضرت چهل سال گذشته بود و در حدیث معتبره از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که در روز نوزدهم ربیع الاول بر حضرت رسول صلی الله علیه اله نازل شد، و عبدالحق دهلوی از علمای اهل سنت در مدارج النبوه گفته است که چون سال مبارک آنحضرت بجهل رسید، ظهور تابشیر و وحی افاق عالم را منور ساخت و آفتاب نبوت از مطلع غایت طلوع نمود و ظهور این نور بقول صحیح در روز دوشنبه هشتم یا سوم ربیع الاول احدی سنه و اربعین از عام الفیل بود. آمده است که چون ظهور نبوت قریب رسید، محبوب گردانیده شد بسوی وی خلوت و گوشه‌گزینی، و اختلاف کرده‌اند که عبادت وی در آن خلوت ب فکر بود یا بذکر که مختار آنست که بذکر بود قلبی و لسانی، و عمل می‌کرد بشریعت ابراهیم یا هر چه ثابت می‌شد نزد وی بشریعتی از شرائع انبیاء یا باستحسان عقل انتهی کلامه. فائده بدانکه تحقیق آنست که آنحضرت قبل از بعثت ظاهری پیغمبر بود و تابع انبیاء دیگر نه بود، بلکه بشریعت خود که بالهام و تأیید ملک علام و تسدید ملانکه کرام آن را میدانست عمل میفرمود؛ اگرچه به تبلیغ آن مأمور نبود، اما بعد بعثت پس امر و واضحت است از آنکه حاجت به بیان داشته باشد و گاهی باستحسان و اجتهاد و رای و قیاس عمل فرموده و چونکه کلام اخوند علیه الرحمه در حق الیقین در افاده این امر کافی و

چه بالضروره دوست هرگاه بحقیقت دوستی رسیده باشد خلاف رضای دوست نکند و دوم شرم و حیا؛ چه البته با این همه محبت و احسان غائبانه هر کسی را حیا نگذارد که مخالفت چنین حبیبی بکند چه جای حاضرانه؛ سوم خوف و ترس چه با این قدر خصوصیت هرگاه رعایت رضای او نکند بضروره مستحق عقاب و یا عتاب شود نعوذ برحمته و شفقت من غصبه و نغمته و کمال ظهور دارد که با این همه صدور معصیت و شائبه مخالفت البته ممتنع و محال است نه امتناع و محالی که جبر از آن لازم آید چه جبر آنست که قدرت و اراده بنده را تأثیر نباشد و در این مقام خود قدرت و اراده چنین کسی کمتر از دیگری نیست انتهی ملخصه پس ازینجا لائح گردید که عصمت چنان نیست که خدا به جبر کسی را بر طاعت و اذعان و از معصیت او را باز دارد و الا معصوم مجبور می‌بود و مستحق اجر و ثواب نمی‌شد مع انهم المخصوص باعلی مدارج القرب و الزلفی و المقام المحمود الشفاعه الکبری و هرگاه این را دانستی، پس بدانکه علامه حلی علیه الرحمه در کشف الحق می فرماید... ذهبت الامامیه یعنی امامیه قاطبه برآنند که پیغمبران معصوم اند از گناهان کبیره و صغیره و منزله از معاصی قبل نبوت و بعد آن پس در هیچ وقتی گناهی از ایشان سر نمی‌زند نه از روی عمد و نه از روی سهو و خطا و جناب والد ماجد علیه الرحمه در عماد الاسلام فرموده که گناهان که عصمت از [آن لازم] است در میانه علمای اهل سنت در آن اختلاف واقع است و احتمالات متفرقه درین مقام تا به بیست میرسد چه معصیت یا منافی معجزه است مثل کذب در آنچه تعلق به احکام دارد و یا چنین نیست قسم دوم یا کفر است یا معصیت کبیره مثل قتل و زنا یا صغیره منفرد کسرقه لقمه یا غیر منفرد مثل دروغی یا دشنامی پس این پنج صورت است و هر واحد از روی سهواست یا از روی عمد یا بعد بعثت است یا قبل آن فهذه عشرون و مذهب حق امامیه آن است که پیغمبران و امامان از همه این اقسام عصیان معصوم و محفوظ اند انتهی ملخص ما افاده و اکثر این احتمالات در شرح قوشجی نیز مذکور است و اهل سنت از عصمت مطلقه انبیاء انکار دارند و اجتهاد و خطا، بلکه گناه را بر ایشان روا میدارند، پس جمعی از معتزله تجویز کرده‌اند بر اینها گناه صغیره را از جهت آنکه بکثرت اعمال خیر مضمحل می‌شود و بعضی از اینها گفته‌اند که صدور گناهان صغیره از پیغمبران از سهو رواست نه از راه عمد، و اشعریه و حشویه اهل سنت گفته‌اند که صغائر و کبائر بر ایشان جائز است مگر کفر و دروغ و بعضی کفر را هم روا داشته اند بشرط آنکه قبل نبوت باشد و از کلام علامه حلی در کشف الحق لائح میشود که بعضی از اینها بعد نبوت هم کفر را روا داشته اند فاضل قوشجی گفته است که جمهور اهل سنت بر آن رفته که پیغمبران از هر گناهی که منافی معجزه باشد و از کفر محفوظ میباشد و آن بظاهر منحصر در کذب... و آن قسم اول است از اقسام مذکوره پس سائر اقسام باقیه غیر از کفر در نزد جمهور بر پیغمبران روا

وافی است بر نقل آن اقتضای می‌کنیم؛ پس بدانکه گفته است که خلافت در اینکه حضرت رسالت مآب پیش از بعثت آیا عمل بشریعتی میکرد یا نه، بعضی برانند که بشریعتی متعبد نبود و بعضی گفته‌اند بود و بعضی توقف کرده‌اند و فرقه دوم نیز خلاف کرده‌اند. بعضی گفته‌اند بشریعت حضرت نوح (ع) عمل می‌کرد و بعضی گفته‌اند بشریعت حضرت ابراهیم (ع) و بعضی بشریعت حضرت موسی (ع) و بعضی بشریعت عیسی (ع) و بعضی بهمه شرائع و حق نزد فقیر آن است که بعد از بعثت آنحضرت تعبد به هیچ شرعی غیر از شرع خود نمی‌نمود و شرع آنحضرت ناسخ جمیع شرائع بود و لهذا آنچه از آنحضرت سؤال می‌کردند تا وحی نازل نمی‌شد جواب آن نمی‌فرمود و هرگز در هیچ امری متمسک به کتب سابقه نمی‌گردید و در حکم سنکسار زناکار خبر از توره داد؛ برای اتمام حجت بر یهود و تکذیب قول ایشان و اظهار علم خود بکتب ایشان و آیاتی که اشعاری بمتابعت انبیاء دارد محمول بر اصول دین است که متفق علیه جمیع ادیان است و در موافقت ایشان بر تبلیغ رسالت و صبر و تحمل مشاق است و اما پیش از بعثت

پس مدلول اخبار و ادله عقلیه بسیار است که آنحضرت اهتمام در عبادات و تتبع مکارم اخلاق و اجتناب از محرمات و مساوی آداب زیاده از همه کس مینمود و چون تواند بود که سایر خلق در حدیث سن مکلف بشرائع باشند و عبادت حق تعالی کنند و اشرف مخلوقات تا چهل سال مکلف بعبادتی نباشد و راه دین خود را نداند و نمی‌تواند بود که انواع عبادات که از آن حضرت صادر میشد بمتابعت شریعت دیگران باشد بچند وجه اول آنکه اگر عمل بر شریعت پیغمبر دیگر نماید، رعیت او خواهد بود و باید که آن پیغمبر افضل از او باشد و این خلاف ضرورت دین است دوم آنکه شریعت آن پیغمبر را بایست بداند تا بشرع او عمل نماید. اگر بوحی دانست پس پیغمبر خواهد بود و عمل بشرع خود کرده خواهد بود که موافق شرع پیغمبر دیگر باشد و اگر بغیر وحی دانست، پس بایست که از علمای آن ملت، اخذ کرده باشد با آنکه از معجزات آنحضرت بود که خط و سواد نداشت و با علمای اهل کتاب معاشرت نکرده و قصص انبیاء را بنحوی که در کتب ایشان بود، بیان کرد؛ پس چگونه از ایشان فرا گرفت و



مبین و ائمه طاهرین که بنص حدیث مجمع علیه مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح من ركبها نجی ومن تخلف عنها غرق وهوی» سفینه نجات و گنجینه برکات می باشند پس دلیل سمعی منحصر در آیات کتاب الله و روایات آنحضرت است و از آنجا که در اصول دینیه و اعتقادات یقینیه دلیل قطعی در کار است، پس بنای اصول اعتقاد بر اخبار آحاد نمی توان گذاشت و از اجتماعیات فرقه حقه است که خبر واحد در اصول حجت نیست و متشابهات آیات و روایات را بسوی محکومات آیات و روایات متواتره و ضروریات دینیه تأویل و تنزیل باید نمود. قال الله عزوجل هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکومات هن ام الکتاب و آخر متشابهات فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تأویله و ما یعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم (آل عمران: ۷)؛ یعنی خداوند عالم نازل فرمود بر تو کتاب را که پاره از آن آیات محکومات است و آن آیات اصل و مرجع کتابست و پاره دیگر از آن متشابهات است که معنی مقصود آن ظاهر نیست یا ظاهر آن مقصود نیست؛ پس کسانی که در دل های شان انحرافی از جاده حق است، پس آنها پیروی متشابهات

می کنند بقصد فتنه و تأویل آن

حسینیه دالان، بزرگترین حسینیه بنگلادش است که به عنوان بنای توریستی در نقشه های داکا معرفی شده و روزانه جهانگردان مختلفی از سرتاسر جهان از آن بازدید می کنند و دارای مجموعه ای تاریخی با بیش از چهار قرن قدمت می باشد.

این حسینیه در عصر حکومت مسلمانان در شبه قاره و توسط یکی از مشایخ شیعه که حاکم داکا بوده، به نام میرمراد در سال ۱۶۴۲ (۱۰۵۲ ق) بنیانگذاری شد.

موافق خواهش خود مینمایند و نمیدانند تأویل آنرا مگر خدا و آنانکه راسخ اند در علم، و در بعض روایات از حضرت صادق علیه السلام ماثور است «نحن الراسخون فی العلم ونحن نعلم تأویله». (باب اول، ص ۷-۸).

زمین هرگز از حجت خدا خالی نبوده است و همه ادیان منتظر منجی آخرالزمان هستند و با وجود تحریفات بسیار در ادیان این نوید

الهی که از سینه پیامبران الهی به

یکدیگر نقل شده است، همچنان مورد تأیید همگان است و کدام آیین و مذهب، آن را به صورت شفاف و روشن بیان داشته است که از نسل پیامبر (ص) گرامی اسلام و با ذکر اسامی از زبان خود پیامبر اکرم (ص) نقل شده و به صورت متواتر و مستند به ما رسیده، و با استفاده از احادیث گوناگون و معتبر اهل سنت جای هیچ گونه شک و شبهه باقی نمی ماند و اگر غیر این بود و همه احادیث را هم منکر شویم، سؤال ماست که چگونه پیامبر اکرم (ص) امت اسلام را بعد از آن همه رنج و زحمت و هدایت به حال خود رها کرد که بعد من هر آنچه خواستید بکنید؟ و چرا پیامبران الهی همه وصی و جانشین داشتند الا پیامبر اسلام (ص)؟ و اینکه بعد نبی مکرم (ص) آیا زمین از حجت

ایضا اکثر علمای اهل کتاب در آن عصر فاسق و فاجر بودند. چگونه اعتماد بر گفته ایشان می توانست کرد؛ سوم آنکه در احادیث بسیار وارد شده است که هیچ زمانی از حجت خدا خالی نمی باشد. اگر حضرت رسالت پناه در ابتدای تکلیف پیغمبر نمی بود، بایست یا وصی حضرت عیسی (ع)، یا وصی حضرت ابراهیم (ع) را تجسس نماید و با و ایمان بیاورد و تابع او گردد و بایست اکثر اهل مکه بدانند و نقل کنند قطع نظر از آنکه لازم می آید که آنحضرت مرتبه اش پست تر از آن وصی باشد و افضلیت آنحضرت بر سایر خلق ضروری دین اسلام است پس گوئیم که پیغمبری آن حضرت همیشه بود و پیوسته بوحی و الهام الهی بر شریعت خود عمل مینمود و بعد از چهل سال رسول شد و مأمور گردید که مردم را بسوی خدا دعوت نماید الی اخر ما افاد فاجاد و در حیات القلوب فرموده که ظاهر احادیث معتبره آنست که پیغمبری آنحضرت همیشه بود چنانکه فرموده که من پیغمبر بودم در هنگامیکه آدم علیه السلام در میان آب و گل بود و گمان فقیر آنست که پیش از بعثت آن حضرت بر شریعت خود عمل مینمود و وحی و الهام الهی با و میرسید و مؤید بروح القدس بود و بعد از چهل سال بر دیگران مبعوث گردید و بمرتبه رسالت رسید؛ چنانکه در نهج البلاغه از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که آن حضرت از روزیکه شیرخواره بود حق تعالی بزرگترین ملکی از ملائکه را با و مقرون گردانید که در شب و روز آن حضرت را بر مکارم اخلاق میداشت» (باب سوم، ص ۱۶۴-۱۶۷).

وحدت کلام علمای شیعه که مستند و برگرفته از کلام معصومین (ع) است کجا و آن همه افترا و تهمت و تحریف به انبیاء و برگزیدگان الهی کجا؟!!

امامت

در «مقصد اول» بیان شده بود که مسائل مربوط به امامت در باب چهارم ذکر شده است و در حال حاضر دسترسی به آن مقدور نمی باشد؛ با این حال در باب ها در جاهای مختلف درباره امامت سخن به میان آمده است که در اینجا به یک مورد اشاره می شود:

«بعد معرفت خدا و شناختن پیغمبر (ص) ترجیح یکی از مذاهب مفترقه اهل اسلام که بمفاد حدیث نبوی «ستفترق امتی علی ثلثه و سبعین فرقه کلهم فی النار الا واحده» بر هفتاد و سه فرقه مفترق شده اند و یکی از آنها ناجی واجب و لازم است و آن منحصر است بمفاد حدیث متفق علیه بین الفریقین» انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی و ما ان تمسکتتم بهما لن تضلوا بعدی «در اتباع قرآن

طبرسی؛ مدارج النبوه عبدالحق دهلوی؛ مسند احمد بن حنبل؛ کافی محمد بن یعقوب کلینی؛ ملل و نحل فاضل شهرستانی؛ مطالع الانوار سید محمد باقر رشتی.

همچنین مؤلف کتاب از اشخاص زیادی نام برده و مطالبی از آنان نقل کرده است؛ مانند: ابن آشوب، ابن عباس، ابن مسعود، ابوسعید خدری، امام علی (ع)، امام رضا (ع)، امام حسن عسکری (ع)، امام الحرمین، ام سلمه، سدی، سید مرتضی، سید نعمت الله الجزائری، شیخ طوسی، عائشه، علامه قوشجی، علی بن ابراهیم، قاضی باقلانی، مقاتل.

نتیجه

مجلد اول کتاب حدیقه سلطانیه در مسائل ایمانیه، در کتابخانه حسینه دالان شهر داکا موجود است. این کتاب به زبان فارسی و موضوع آن علم کلام و اصول عقاید است که در سال ۱۲۶۵ق به صورت چاپ سنگی نشر یافته است. مؤلف این اثر ارزشمند سید حسین بن دلدار علی سبزواری نصیرآبادی نقوی رضوی لکهنوی، مشهور به سید العلماء (۱۲۱۱-۱۲۷۴ق) است که از دانشمندان شیعی مذهب و از دستداران مخلص اهل بیت (ع) است. موضوعاتی که در این کتاب مطرح شده، عبارتند از: توحید، عدل، نبوت، امامت.

منابع

۱. سید محمد حسین؛ حدیقه سلطانیه؛ ۱۲۱۵ق.
۲. مایل هروی، نجیب؛ نقد و تصحیح متون؛ مشهد؛ میقات، ۱۳۶۹ش.
۳. سایت اطلاعات کتابشناسی مشا: www.moshar.ir.
۴. سایت اطلاع رسانی حوزه: www.hawzah.net.
۵. سایت حسینی دالان: www.hussainidalan.com.
۶. سایت سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران: www.nlai.ir.
۷. سایت مجمع جهانی اهل البیت (ع): www.ahl-ul-bait.org.
۸. سایت کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی: www.ical.ir.

خداوند خالی است؟ و اگر چنین است، این همه توسل مسلمان و غیرمسلمان به ائمه طاهرین و معجزات و شفای آنها را چه می گویند؟!

منابع مورد استفاده مؤلف کتاب

مؤلف کتاب در متن کتاب از بعضی منابع و مآخذی نام و بهره برده است؛ از جمله:

احتجاج طبرسی؛ ارشاد القلوب دیلمی؛ الوفاء علی سمهودی؛ انوارالربیع سید علی خان مدنی؛ تفسیر بیضاوی؛ تفسیر کبیر فخر رازی؛ تفسیر صافی محدث کاشانی؛ تفسیر علی بن ابراهیم قمی؛ تحبیر سیوطی؛ حسام الاسلام والد مؤلف (علامه سید دلدار علی)؛ حدیقه المتقین والد مؤلف (علامه سید دلدار علی)؛ حق یقین مجلسی؛ حیاة القلوب مجلسی؛ رساله اثبات محدث شیخ حر عاملی؛ رساله اعتقاد صدوق؛ رساله اعتقادات ابن بابویه؛ رساله مفرد شیخ محمد بن الحسن الحر عاملی؛ روضه الواعظین محمد فتال نیشابوری؛ شرح تجرید علامه حلی؛ صحیح بخاری؛ عماد الاسلام والد مؤلف (علامه سید دلدار علی)؛ کشف الغمه علی بن عیسی اربلی؛ مجمع البحرین فخرالدین بن الطریح النجفی؛ مجمع البیان

